

پازخورد اقداماتان در اطرافیان

چه بود؟

**باعث شادی فرزندانم و**  
**افزونانم**

باعث شادی فرزندانم و  
افتنخواه از نازدای

الگویی شد برای دخترانم که بخشیدن و انجام کار خوب حس خوشایندی به انسان می‌دهد و نمی‌توان این حس را با هیچ چیزی در دنیا عوض کرد. همین‌طور، این کار انگیزه‌ای شد برای یک ایرانی مقیم کشور اسپانیا، یعنی خانم دکتر مینا هاشمی. ایشان هم در حال ساخت یک مدرسه سه‌کلاسه در وستای، تکه‌گند است.

## یہ نظر شما معلمی، دقیقاً چیست؟

**د** معلمی شغل نیست، ایثار است؛ گذشت و فداکاری و عشق به دانش آموزان است. من بهترین روزها و ساعتهای زندگی‌ام را در کنار دانش آموزان و در محروم‌ترین روزهای روستاها گذراندم.

و اما سخن آخر

**مدرسه‌سازی یادگاری ماندگار است.** خیلی دلم  
می‌خواست آن قدر ثروت داشتم که می‌توانستم حداقل سالی  
یک مدرسه بسازم، چون فرزندان این مرز و بوم قرار است ایران  
را بسازند.

چرا تصمیم گرفتید از دیه فرزندتان پرای ساخت مدرسه

استفاده کنید؟

همسرم فرهنگی و مدیر یکی از مدرسه‌های قدیمی و مستهلک گنبد است. به پیشنهاد او تصمیم گرفتیم برای به آرامش رسیدن خودمان و روح پسمن، با بول دیه او یک مدرسه تازه بسازیم. این کار تأثیر زیادی در روحیه خانواده‌ام داشت، چون حس می‌کردم نام پسرم را برای همیشه زنده نگه می‌دارم.

آماگ فتن، این تصمیم را انتان سخت بود؟



**پ** سخت‌تر از فقدان تنها پسرم نبود. من یک فرهنگی ساده هستم. با خودم گفتم این امتحان الهی بوده است و حالا باید با دیهه فرزندم کاری ماندگار کنم که خیلی‌ها بتوانند از آن بفرجه بزنند.

به یاد افرادی افتادم که اعضای بدن عزیز از دست رفته شان را  
اهدا می‌کنند تا احساس کنند زندگی او در کالبد دیگری ادامه  
پیدا خواهد کرد. آیا شما هم این حس را دارید و این حس برای  
شما التام بخشن، است؟

بله. همان طور که گفتم، توانستم با این کار نام پسرم را زنده نگه دارم. من و همسرم هر دو حس خوبی داریم و به آن مدرسه تعلق خاطر داریم. بچه هایی هم که در آن مدرسه درس می خوانند، به ما خیلی علاقه مندند. می دانم هر چند محمدعلی در بین ما نیست، اما دانش آموزانی که در این مدرسه درس بخوانند و در آینده موفق و افرادی مفید برای جامعه باشند، می توانند محمدعلی های دیگری برای ما شوند.